

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoochn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

موضوع :

اقتصاد بین الملل و تبعات آن

بر اقتصاد داخلی

مقدمه:

هنگامی که از شبکه اقتصاد ملی می گذریم و وارد روابط اقتصادی بین الملل، روابط مبادلاتی اقتصادهای پولی می شویم امر «صرف» مطرح می شود، امر تبدیل پول ملی به پولهای خارجی و یا پولهای خارجی به پول ملی و کلیه مسائل ناشی از آن، تراز پرداختها و روشهای تعدیل عدم تعادل آن و

این امور نه تنها در بحث نظری از اقتصاد بین الملل اهمیت بسیار دارد بلکه زمامداران اقتصادی و سیاسی مملکت را اشتغال خاطر بزرگ است:

این که ارزش خارجی پول خود را چگونه حفظ کنند؟ با چه تدبیری محصولات خود را در بازارهای خارجی به فروش رسانند؟ با چه وسایلی مواد اولیه، کالاهای مصرفی و سرمایه ای مورد نیاز را از بازارهای جهانی تأمین سازند و از چه طریق، سطح قیمتها را در حد مطلوب نگاهدارند و با چه ابزاری درآمدها را در جهت مورد نظر سوق دهند و

به همین منظور مجموعه ی مقرراتی می گذارند تا هدفهای آنان را تأمین کند. این مقررات که قسمت اعظم آن تحت عنوان مقررات ارزی و بعضاً ذیل عناوین مقررات بازرگانی، پولی، اقتصادی و ... وضع و به مورد اجرا گذارده می شود مورد بحث این نوشته کوتاه

است نه آنچه که در همه دنیا می گذرد، بلکه تنها در ایران!

در این نوشته کوتاه، مسیری که این مقررات در ایران طی کرده و تحولی که گذارنده، نمایانده می شود و در عین حال سعی می شود طرحی از محیط اقتصادی، سیاسی که در

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoocn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

آن، زمامداران و اندیشمندان کشور تصمیم گرفتند به دست داده شود و سیر تحول نرخ
ارز در ایران از سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۶ ارائه شده است.

تثبیت نرخ ارز

استقرار سیستم یک نرخي در سال ۱۳۳۴

اساس سیاست ارزی دولت در سال ۱۳۳۴ چنانچه در سهمیه وارداتی سال مذکور منعکس است اجرای توصیه صندوق بین المللی پول در مورد استقرار سیستم یک نرخي و نیز جلوگیری از ترقی قیمتها بود النهایه در سهمیه سال مذکور قابلیت انتقال گواهینامه ارز صادرات طبقه دوم از میان برداشته شد لکن این تصمیم در عمل به اشکال بازخورد بالنتیجه، در دوم اردیبهشت تصویب نامه می گذشت مشعر به اینکه جهت ورود کالاهای طبقه دو سهمیه ۱۳۳۳ از ارز حاصل از صادرات طبقه دوم ۱۳۳۳ استفاده شود و نیز مقررات سال مذکور در مورد گواهینامه ارز صادراتی کماکان در سال ۱۳۳۴ حاکم باشد. همچنین به منظور تثبیت قیمتها و جلوگیری از ترقی آن در ۱۱ مرداد ۱۳۳۴ برای تمام کالاها نرخ خرید ارز در ۷۵ ریال و نرخ فروش آن در ۷۶/۵ ریال تثبیت شد و سپرده به ۸۰ ریال تقلیل یافت.

درآمد ارزی کشور در سال ۱۳۳۵ نیز همچنان روبه فزونی بود به علاوه در این سال اعتبارات متعددی از منابع صندوق بین المللی پول (۱۷/۵۰۰/۰۰۰ دلار) اعتبارات صادراتی انگلیسی (۴/۱۰۰/۰۰۰ لیره) بانک بین المللی ترمیم و توسعه (۱۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار) کمکهای بلاعوض آمریکا (۴۵/۵۰۰/۰۰۰ دلار) در اختیار ایران قرار گرفت و دولت برای مبارزه با تورمی که بروز آن متصور بود سیاست «در باز» را در پیش گرفت و چون برای اجرای برنامهها ظرفیت نبود علیهذا واردات انواع کالاهای مصرفی تشویق شد

وسهمیه‌ای که در آغاز سال تنظیم شده بود در حین اجرا متوقف شد و واردات حدود ۵۰٪ از آن بیشتر گشت.

در سال ۱۳۳۶ نیز سیاست بازرگانی و اندی کشور همانند سالهای گذشته اتفاق افتاد حتی در این سال بعضی از کالاهای غیرمجاز سال پیش با پرداخت سود بازرگانی مجاز گشت و واردات همچنان رشد خود را دنبال کرد.

نرخ رسمی ارز نیز که بر اساس قانون ۲۸ آبان ۱۳۳۱ و تصویب نامه ۶ بهمن ۱۳۲۸ بر مبنای ۱ دلار = ۳۲/۲۵ ریال بود به نرخ ۱ دلار = ۷۵/۷۵ ریال تغییر یافت و بدین ترتیب نرخ قانونی ارز با نرخ اقتصادی آن مساوی گشت.

انحلال کمیسیون ارز واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران در

اسفند ۱۳۳۶

در ۲۴ اسفند ۱۳۳۶ قانونی به تصویب رسید که به موجب آن کمیسیون ارز منحل شد. کلیه قوانین ارزی سابق ملغی و هر نوع خرید و فروش و واگذاری ارز به عهده بانک ملی محول گشت و نیز بانک فقط موازنه ارزی کشور و نظارت در اجرای قانون را بر عهده گرفت و همچنین تنها بانکهایی مجاز به معاملات ارزی گشتند که مقررات قانون بانکداری آنان را مجاز می‌شناخت به علاوه صادرکنندگان به ازاء صدور کالا مکلف به سپردن پیمان نامه ارزی شدند ولی داشتن ارز غیرصادراتی در داخل کشور و نقل و انتقال آن آزاد اعلام شد جز در مورد انتقال آن به خارج که تحصیل موافقت بانک ملی الزامی گشت. در ۳۰ فروردین ۱۳۳۶ آیین نامه اجرای قانون واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی تهیه و به اجرا گذارده شد.

مهدی سمیعی رئیس موقت بانک مرکزی طی سخنرانی خود در کنفرانس بازرگانی اصفهان (خرداد ۱۳۴۵) در این بابت چنین داوری می‌کند:

تجربیات تلخی که در سالهای ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۹ در مورد زیاده روی در واردات و استفاده بیهوده از اعتبارات فروشندگان خارجی بدست آورده ایم به ما نشان داد که تا چه حد ضرورت دارد سیاست اقتصادی با مقررات ارزی کشور وفق یابد.

برنامه‌های تثبیت اقتصادی تحول مبانی سیاست ارزی کشورها و وظایف

بانکی به بانک مرکزی در ۱۳۳۹

اتخاذ سیاست تورمی از لحاظ توسعه اعتبارات و اختیار سیاست بی‌توجه به میزان تمایل نسبی به واردات و یا هدایت ترکیب آن اشکالات گوناگون به بار آورد چنانچه ترقی شاخص هزینه زندگی در سال ۳۸ به ۱۳٪ بالغ شد.

افزایش توسعه میزان اعتبارات خصوصی در این سال به ۳۲/۴٪ رسید و نیز برای رفع عدم تعادل تراز پرداختها به ارقام جبرانی توسل شد.

سال ۱۳۳۹ نیز با همین مشخصات آغاز شد لکن یک سلسله پدیده‌های حادث در این سال موجبات تجدید این جریانات را فراهم آورد:

۱) اقدامات سازمانی

تصویب قانون بانکی و پولی کشور در ۷ قرارداد ۱۳۳۹ مبنای تشکیل بانک مرکزی شد و حفظ موازنه ارزی کشور و مبادرت به کلیه معاملات مربوط به طلا و ارز را در شمار وظایف آن اعلام داشت و نیز تنظیم آیین نامه اجرایی قانون ارز و مقررات مربوط به معاملات ارزی را بر عهده شورای پول و اعتبار گذاشت لکن اجرای این مقررات را که بانک مرکزی نیز قادر به پیشنهاد آن بود موکول به تصویب هیات زیران داشت و بدین ترتیب بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار و هیأت دولت به جای بانک ملی ایران بصورت مقامات تصمیم‌گیرنده و کنترل‌کننده و اجراکننده در زمینه امور ارزی کشور در

آمدند. وجود قوانین انحصار تجارت خارجی و تشویق صادرات نیز یک سلسله
اختیارات به وزارت اقتصاد ملی می داد.

۲) اقدامات بنیادی

برنامه تثبیت اقتصادی که به منظور سروسامان دادن به وضع ناسالم پولی و اعتباری در
شهریور ماه ۱۳۳۹ به تصویب رسید اساس توصل به یک سلسله تدابیر تازه شد.

التهایه هم موجبات رونق فراهم آمد و هم با استفاده از طرق مختلف در هزینه ارزی
کشور صرفه جویی گشت و نیز ۳۴/۵۰۰/۰۰۰ دلار از بدهیهای خارجی کم شد و

۱۹/۵۰۰/۰۰۰ دلار به ذخایر ارزی کشور افزوده گشت همچنین نیازمندیهای عادی

و غیربازرگانی کشور تامین شد.

برنامه پنج ساله سیاست بازرگانی و ارزی کشورهماهنگی با برنامه سوم در

اقتصادی کشور ۱۳۴۱-۱۳۴۶

(۱) تعقیب سیاست انبساط تدریجی

سیاست انبساط تدریجی در سال ۱۳۴۱ نیز دنبال شد منتها کنترلهایی که در زمینه گوناگون ابداع و اعمال شده بود موجبات توام بهبود اوضاع ارزی و تجارت خارجی کشور را فراهم ساخته بود. در این سال مقررات واردات و صادرات کشور برای یک دوره پنج ساله پی ریزی شد و «تهیه احتیاجات عمومی و تامین منافع مصرف کنندگان، حفظ موازنه پرداختهای ارزی حمایت و توسعه صنایع داخلی و تشویق صادرات در چارچوب برنامه تثبیت اقتصادی و عمرانی دولت بعنوان هدفهای سیاست بازرگانی دولت گفته شد» به منظور بهبود وضع پرداختهای ارزی کشور، محدودیت واردات تجملی و غیرضروری ادامه خواهد یافت و طرق عملی و تازه‌ای برای ازدیاد درآمد ارزی اتخاذ خواهد شد منجمله سعی خواهد شد حتی المقدور از ورود کالاهای ساخته شده خارجی به کشور جلوگیری به عمل آید و این قبیل کالاها ابتدا به صورت قطعات منفصل و نیمه ساخته وارد و مندرجا تمام مراحل تولید آن در خود ایران انجام یابد.

۲) اعلام اصول سیاست ارزی در اسفند ۱۳۴۱

رئیس کل موقت بانک مرکزی در اسفند ۱۳۴۱ موارد ذیل را به عنوان اصول سیاست ارزی بانک اعلام داشت:

الف) حفظ تعادل در موازنه پرداختهای ارزی کشور و حفظ ارزش خارجی پول

ب) اجتناب از سیستم چند نرخ اعم از اینکه به طور رسمی و صریح یا غیررسمی و ضمنی باشد.

ج) نگهداری موجودی ارزی کافی برای مواجهه با افزایش ناگهانی پرداختها و کاهش غیرقابل پیش بینی درآمدها و رفع حواج ناشی از نوسانات واردات و صادرات.

به نظر بانک مرکزی ایران منابع ارزی کشور حتی المقدور میبایست به مصرف وارد کردن کالاهای سرمایه‌ای برسد.

۳) اختیار یک سیاست فعال بازرگانی در سال ۱۳۴۲

در سال ۱۳۴۲ واردات کالاهای مشابه محصولات داخلی غیرمجاز اعلام شد و به منظور جبران کسر درآمد گمرکی کشور، تعرفه حمایتی سال ۴۲ با تصویب نامه ۲۳ تیرماه که هدفهای مالی را مدنظر داشت تلفیق گشت و نیز در ۱۷ آذر حداقل سپرده کالاهای وارداتی از ۲۰٪ به ۱۵٪ و از ۷۰٪ به ۴۰٪ کاهش یافت جز در مورد کالاهای غیرمجاز در مقررات سال ۴۱ که واردات اقلام مجاز شده آن در سال ۴۲ موکول به تایید ۱۰۰٪ سپرده شد.

۴) مشکلات درونزا و برونزای سال ۱۳۴۳

در سال ۱۳۴۳ تحت تاثیر دو عامل، وضع نامساعد تجارت خارجی تشدید شد: یکی کمبود گندم و گوشت و لزوم واردات مقدار متناهی از آن دو دیگر ترقی خارق العاده قیمت جهانی شکر و سپردن امر واردات آن به بخش خصوصی و اتخاذ سیاست تشویق و تسهیل واردات کالاهای سرمایه‌ای زیرا در ۴ تیرماه سپرده اعتبار اسنادی گندم، جو، ذرت و ارزن از ۱۰۰٪ به ۲۵٪ کاهش یافت.

۵) سیاست ارزی سال ۱۳۴۵ کشور

در سال ۱۳۴۵ جریانات ارزی و بازرگانی در کشور ناخوشایند می‌نمایاند از یکسو حمله کرم خاردار به پنبه و از سوی دیگر ضرورت تامین هدفهای اجتماعی از طریق افزایش مزد و فرشباغان و بهره برداری لجام گسیخته فروشندگان آن از این اقدام که به صورت ترقی ناصحیح قیمت‌های فرش صادراتی تجلی یافت رقابت خرد کننده رقبا در بازارهای جهانی خشکبار و میوه‌های تازه موجب شد صادرات ما با یک حرکت منفی نسبت به سال ۴۴ معادل ۱۳٪ تنزل یابد در حالی که واردات در مسیر رو به ترقی بود.

۶) تهاجمات پیاپی به بازار غیررسمی ارز کشور در سال ۱۴۴۶

در ۱۹ فروردین ۱۳۴۶ سیاست ارزی کشور در تعقیب اولین هجوم آوری دی ماه ۱۳۴۵ به نظام ارزی بازار اجازه داد سپرده ثابت ارزی با حداقل زمانی ۳ ماه پذیرفته شود و براساس نرخ بین‌المللی بدان بهره داده شود و در سررسید، نقل و انتقال آن آزاد باشد

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

همچنین پذیرفت سپرده دریافتی هر بانک نزد دیگر بانکها و یا نزد بانک مرکزی مجدداً به سپرده گذاری شود.

در تعقیب این تصمیم در ۲۵ شهریور نگهداری ارز غیرصادراتی به صورت سپرده دیداری نیز در بانکهای مجاز به معاملات ارزی تجویز شد و انتقال آنها در داخل یا خارج، بدون دخالت بانک مرکزی مجاز شناخته شد.

تراز بازرگانی ایران در سالهای ۱۳۳۴-۱۳۴۶

سال	۱	۲	۳	۴	۵
	موازنه کل (۲-۳)	صادرات مواد نفتی	موازنه بدون مواد نفتی (۴-۵)	کل واردات	صادرات بدون مواد نفتی
۱۳۳۴	۶۵۴۳	۹۴۰۵	-۲۸۶۲	۱۰۸۹۶	۸۰۳۴
۱۳۳۵	۲۳۶۲-	۱۵۹۰۹	-۱۸۲۷۱	۲۶۲۰۲	۷۹۳۱
۱۳۳۶	۵۰۵۸	۱۹۲۹۸	-۲۴۳۵۶	۳۲۶۰۹	۸۳۵۳
۱۳۳۷	۱۵۵۵۲	۲۲۸۵۹	-۳۸۴۱۱	۴۶۳۵۲	۷۹۴۱
۱۳۳۸	۷۳۰۷	۴۹۴۵۰	-۴۲۱۴۳	۴۹۸۴۴	۷۷۰۱
۱۳۳۹	۱۰۰۹۴	۵۳۳۹۱	-۴۳۲۹۷	۵۲۶۵۷	۸۳۶۰
۱۳۴۰	۱۸۱۷۳	۵۶۴۵۱	-۳۷۵۷۸	۴۷۱۷۱	۹۵۹۳
۱۳۴۱	۲۷۵۴۳	۶۰۸۴۵	-۳۳۳۰۲	۴۱۹۰۶	۸۶۰۴
۱۳۴۲	۳۷۶۲۱	۶۷۲۸۶	-۲۹۶۶۵	۳۹۲۸۲	۹۶۱۷
۱۳۴۳	۲۹۲۵۶	۷۴۸۵۰	-۴۵۳۰۴	۵۶۷۸۹	۱۱۴۸۵
۱۳۴۴	۳۶۲۵۶	۸۹۲۱۵	-۵۲۹۵۹	۶۶۵۱۸	۱۳۵۵۹
۱۳۴۵	۸۰۲۳۷	۹۲۰۶۶	-۶۱۸۲۹	۷۳۶۴۴	۱۱۸۱۵
۱۳۴۶	۵۷۵۳۶	۱۳۴۳۵۴	-۷۶۸۱۸	۹۰۴۵۱	۱۳۶۳۳

سیاست کنترل ارزی و اثرات آن در ایران

افزایش یکباره درآمدهای حاصل ارزی از صادرات نفت در سال ۱۳۵۲ موجب شد ریال ایران که تا آنزمان بصورت نسبی تحت کنترل و نظارت بود بطور آزاد قابل تبدیل گردد. لذا به این ترتیب معاملات ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی آزاد و حتی در بسیاری موارد تقاضای اضافه بر عرضه ارز در بازار ارز غیرنفتی توسط درآمدهای نفتی پاسخگویی می شد.

نرخ برابری ریال نیز در سال ۱۳۵۳ ظاهراً بجای وابستگی به دلار آمریکا به SDR وابسته شد لکن در عمل بعلت اینکه درآمدهای ارزی به دلار دریافت شد نرخ ریال کماکان در بازار ارز به دلار آمریکا وابسته بود.

پس از انقلاب اسلامی با تغییر هدفها و روشهای بازرگانی خارجی سیاستهای ارزی نیز تغییر پیدا کرد و کنترل ارزی که به نوعی قبل از انقلاب در سال ۱۳۵۷ شروع شده بود بطور موکد اجرا شد. لذا کلیه معاملات ارزی اعم از سرمایه‌ای و جاری تحت کنترل شدید دولت قرار گرفت.

در این فصل ابتدا نظری اجمالی خواهیم داشت به چگونگی وضع بازرگانی خارجی و تزار پرداختها و سپس پاره‌ای از سیاستهای ارزی دولت را مورد بحث و بررسی قرار می دهیم.

چگونگی وضعیت بازرگانی خارجی و کنترل ارزی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اصولاً سیاستهای بازرگانی و ارزی دولت تغییر یافت و اساس این سیاستها مبنی بر نظارت و کنترل بازرگانی خارجی و همچنین کنترل ورود و خروج ارز بود. در بخش درآمدهای حاصل از صدور نفت دولت مواجه با اشکال در جمع آوری این درآمدها نبود. لکن برای جمع آوری و جذب درآمدهای ارزی غیر نفتی دولت به تدریج در سالهای پس از انقلاب مجبور به اتخاذ سیاستهای گوناگون گردید.

همچنین جهت کنترل خروج ارز از کشور دولت به دو رشته اقدامات دست زد. اول آنکه اصولاً واردات کالاها را تحت نظارت و کنترل شدید درآورده از این رو خود به خود قسمت اعظم پرداختهای ارزی تحت پوشش بانک مرکزی قرار گرفت. دوم اینکه کنترلها و ضوابط جداگانه‌ای برای خرید ارز قائل شد که در واقع این دو ابزار هر دو در جهت محدود نمودن پرداختها ارزی بوده است. البته باید توجه داشت که تحریم اقتصادی سال ۱۳۵۹ و بروز جنگ تحمیلی چه از نظر کاهش شدید درآمدهای ارزی و چه از نظر افزایش هزینه‌های ارزی مشکلات زیادی برای دولت ایجاد کردند. لذا دولت نیز برای رویارویی با این مشکلات محدودیتهای شدید وارداتی قائل شده و ورود کالاها را اختصاصاً به کالاهای ضروری و اساسی داد.

در سال ۱۳۶۰ در پی ادامه کاهش صدور نفت و افزایش نسبی واردات دولت کماکان با مشکل کسری تراز پرداختها و تنگنای ارزی مواجه بود. لذا در این سال کالاهای مصرفی

اساسی سهمیه‌بندی شده و سیاست توزیع عادلانه کالاهای اساسی از طرف دولت اتخاذ گردید.

همچنین در سال ۱۳۶۰ کمیسیونی به نام کمیسیون تخصیص ارز تشکیل شد که وظیفه این کمیسیون تسهیم منابع ارزی به مصارف مختلف با توجه به اولیتهای تعیین شده و کوشش در به حداقل رساندن هزینه‌های ارزی است. در واقع وظیفه این کمیسیون توزیع متناسب ارز به بخشهای مختلف می‌باشد.

همچنین، بدست گرفتن حجم زیادی از بازرگانی خارجی توسط دولت در سال ۱۳۶۰ موجب شد هزینه‌های ارزی دولت از بابت ورود کالاها نسبت به سال قبل ۲۹ درصد افزایش و در مقابل هزینه‌های ارزی بخش خصوصی ۱۷ درصد کاهش یابد.

در سال ۱۳۶۱ از یکطرف هزینه‌های ارزی بعلت سیاستهای سهمیه‌بندی و کنترل و وارداتی دولت کاهش یافته و از طرف دیگر درآمدهای ارزی بعلت افزایش صادرات نفت افزایش یافت. لذا تراز پرداختها در حساب جاری معادل ۶/۶ میلیارد دلار مازاد داشت.

در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بطور متوالی تراز پرداختهای کشور کسری داشته است. در سال ۱۳۶۲ میزان کسری، بیشتر بعلت افزایش هزینه‌های ارزی نسبت به سال ۱۳۶۱ بود در حالیکه درآمدهای ارزی نسبت به سال ۱۳۶۱ افزایش ناچیزی داشته است. بهر حال کسری سال ۱۳۶۲ در حدود ۵۸۴ میلیون دلار بوده که اگر چه از نظر مقدار قابل توجه نیست لکن با توجه به مازاد ۶/۶ میلیارد دلاری سال ۱۳۶۱ نشان دهنده تغییرات جدی در وضعیت تراز پرداختها است.

میزان پرداختهای حساب جاری سال ۱۳۶۳ در حدود ۱۸/۶ میلیارد دلار و دریافتهای جاری ۱۷/۹ میلیارد دلار بوده است. در همین سال پرداختهای نقل و انتقالات سرمایه‌ای ۵۶۰ میلیون دلار و دریافتها ۱۳۹ میلیون دلار بوده و لذا کسری تراز پرداختهای سال ۱۳۶۳ بالغ بر ۱/۲ میلیارد دلار می‌باشد.

بعلت تشدید کنترل‌های ارزی و مساعی دولت در محدود ساختن هزینه‌های جاری دولتی پرداختهای ارزی برای حساب جاری در سال ۱۳۶۴ به ۱۳/۴ میلیارد دلار کاهش یافت و با درآمد ارزی حدود ۱۴ میلیارد دلار مازاد حساب جاری در سال ۱۳۶۴ به رقم تقریبی ۶۰۰ میلیون دلار رسید.

سال ۱۳۶۵ یکی از بحرانی‌ترین سالهای بعد از انقلاب از نظر اقتصادی بوده است. در این سال بعلت کاهش قیمت نفت و کاهش چشم‌گیر صادرات نفت درآمدهای ارزی بشدت کاهش یافت. نرخ تورم شدیداً افزایش یافت و بیکاری نیز روند افزایشی خود را کماکان طی نمود. سال ۱۳۶۵ در واقع سال رکود همراه با تورم بوده است. کاهش درآمدهای ارزی در این سال سیاست‌گذاران اقتصادی کشور را ب فکر افزایش صادرات غیرنفتی و رهائی از تک محصولی نفت انداخت. البته با آنکه درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۵ افزایش چشم‌گیری یافت لکن به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای مبرم وسیع ارزی کشور نبود.

باید توجه داشت که دولت در زمینه دریافت‌های ارزی از محل صادرات نفت نفوذ زیادی ندارد زیرا چگونگی وضع صادرات و قیمت نفت بیشتر به عوامل خارجی بستگی

دارد. از آنجا که بطور متوسط درآمدهای نفتی در گذشته بیش از ۹۰ درصد کل درآمدهای ارزی داخلی کشور را تشکیل می‌داده است و از طرف دیگر غیر از کالاهای وارداتی مصرفی، تولیدات داخلی کشور نیز وابسته به واردات کالاهای سرمایه‌ای و مواد خام و یدکی می‌باشد لذا اصولاً اقتصاد ما تأثیرپذیری زیادی نسبت به اوضاع اقتصادی جهانی بخصوص بازار نفت دارد. لکن دولت در مورد صادرات غیر نفت زمینه مانور بیشتری دارد. سیاستهای ارزی تشویق صادرات و نرخهای ترجیحی به هیچ عنوان بر درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفتی اثر ندارد. در حالیکه اینگونه سیاستها اگر صحیح طرح ریزی و اجرا شوند در افزایش درآمدهای ارزی از محل صادرات غیرنفتی اثر دارند. بهمین جهت دولت در سالهای گذشته برای بهبود وضع تراز پرداختها به سیاستهای مختلفی روی آورده است.

در سال ۱۳۵۸ دولت صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی را مکلف به سپردن پیمان ارزی نمود و از طرف دیگر در همین سال سیستم نرخ ترجیحی ارز را برای تشویق صادرکنندگان مزبور ایجاد نمود. به همین جهت در سال ۱۳۵۸ صادرات کشور نسبت به سال قبل افزایشی در حدود ۵۰ درصد داشته است. البته این افزایش فقط معلول سیاست نرخ ترجیحی نبوده بلکه دلایل عدیده دیگری از قبیل افزایش قیمتها در بازارهای جهانی و ارزش گذاری دقیق کالاهای صادراتی غیرنفتی داشته است.

دولت برای تشویق صادرکنندگان در سال ۱۳۶۰ مهلت واریز پیمانهای ارزی را از ۸ ماه به ۱۲ ماه در ۱۳۶۱ این مهلت را برای صادرات فرش از ۱۲ ماه به ۱۴ ماه افزایش داد.

از مهمترین مشوقهای صادراتی که دولت ایجاد نمود تهاتر کالاهای غیرنفتی بخش خصوصی در سال ۱۳۶۱ است. بدین ترتیب صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی مجاز گردیدند که ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را صرف واردات کالا از خارج از کشور نمایند.

بهمین جهت از ۱۳۶۱ مسئله ارز صادراتی و ورود کالا بدون انتقال ارز مطرح شد. لذا صادرکنندگانی که نتوانند یا بخواهند درآمد ارزی خود را صرف واردات کالا از خارج نمایند مجاز هستند ارز حاصله را با نرخ ارز صادراتی به واردکنندگان دیگر به فروش برسانند. هدف از ایجاد این مقررات علاوه بر کاهش تقاضای ارز بخش خصوصی حل مشکلات ارزی کارخانجات و موسسات وابسته به دولت نیز بوده است.

از اقدامات دیگری که دولت برای حل مشکلات ارزی پس از انقلاب اسلامی انجام داد کوشش در افزایش معاملات پایاپای یا تهاتری بوده است. لکن دراین مورد نیز متأسفانه به علت محدودیتهای صادراتی از نظر کشش عرضه صادرات بالا بودن قیمتهای کالاهای صادراتی نسبت به قیمتهای بین المللی و افزایش مصرف داخلی و در نتیجه عرضه کالاهای صادراتی به بازار داخلی، مبادلات تهاتری موفقیت چندانی نداشت. لذا عملاً قسمت اعظم قراردادها و موافقتنامه‌های پایاپای تبدیل به پرداخت ارز آزاد و تصفیه حساب ارزی شده است. البته معاملات تهاتری بطور کلی و بخصوص نفت در مقابل کالات اشکالات دیگری دارد که در قسمت بعد به آن اشاره خواهد شد.

در زمینه مبادلات خدماتی در تراز پرداختها پس از انقلاب اسلامی به علت کاهش و تقریباً رو به صفر رفتن سرمایه‌گذارها و وامهای خارجی کشور بتدریج دریافتهای ارزی مربوط به خدمات کاهش یافته و هم اکنون از این بابت دریافتی وجود نداشته و یا اگر وجود دارد مقدار آن ناچیز است. لکن پرداختهای خدماتی از قبیل ارز دانشجویی بیماران نمایندگیهای جمهوری اسلامی در خارج از کشور و غیره اگر چه نسبتاً کاهش یافته لکن کماکان رقم عمده‌ای را تشکیل می‌دهد. دولت در این زمینه نیز اقدام به سیستم چند نرخ نمود که بعدها بعضی از مصارف از قبیل مسافرت بکلی حذف گردید. همچنین در مورد ارز دانشجویی و بیماران نیز اقدامات بسیار محدودکننده و دقیقی توسط دولت صورت می‌گیرد.

اثرات کنترل ارزی در ایران

سیاستهای ارزی در ایران بطور کلی به چند بخش قابل تفکیک هستند. البته در عین حال باید توجه نمود که این تفکیک سیاستها را کاملاً از هم جدا نمی‌سازد زیرا در عین حال سیاستهای مزبور با هم مرتبط بوده و در بعضی مواقع جدا کردن آنها صورت قراردادی می‌گیرد.

در هر حال این سیاستها را به سه بخش زیر میتوان تقسیم نمود: اول سیاستهای تشویقی که یا مستقیماً ورود ارز به کشور را تشویق می‌نماید و یا اینکه غیرمستقیم افزایش صادرات را تشویق می‌نماید. دوم سیاستهای که هدف آنها کاهش تقاضا برای ارز است و بالاخره دسته آخر سیاستهایی هستند که ورود و تحویل ارزهای تحصیل شده را به

سیستم بانک مرکزی قرار می دهند. در واقع سیاستهای اخیر بطور مستقیم و صریح سیاست کنترل ارزی دولت را تشکیل می دهند. لذا اکنون بطور اختصار سیاستهای دسته اول را در این قسمت بررسی و بحث می نمائیم.

۱- سیاستهای تشویقی

سیاستهای تشویقی دولت جهت افزایش صادرات در جمهوری اسلامی فقط مربوط به صادرات غیرنفتی می شود. زیرا صادرات نفت بیشتر به شرایط بازار بستگی دارد و همچنین درآمدهای ارزی حاصل از محل صدور نفت بستگی به قیمت نفت داشته که آنهم به دلار تعیین و دریافت می شود. از همه مهمتر اینست که تولید و صادرات نفت در جمهوری اسلامی بدست دولت انجام می گیرد در حالیکه سیاستهای تشویقی مخصوص بخش خصوصی است. لذا بهیچ عنوان سیاستهای تشویقی در مورد نفت اثری ندارد و اصولا افزایش صادرات نفت و با قیمت نفت وابستگی زیادی به شرایط بازارهای بین المللی نفت دارد. بطور مثال بکارگیری نرخ ترجیحی ارز در حالیکه قیمت نفت به دلار تعیین و دریافت می شود بی اثر است.

نکته مهم این است که عامل جنگ تحمیلی نیز خود به نوعی در تولید و صادرات نفت اثر داشته است.

بنابراین سیاستهای تشویقی جهت افزایش درآمدهای ارزی منحصرآ متوجه صادرات غیرنفتی است.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooen.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

مهمترین این سیاستها که دولت در جهت تشویق صادرات بکار گرفته است سیاست نرخ ترجیحی ارز است. همانطور که قبلا اشاره شد نرخ ترجیحی ارز برای صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی در سال ۱۳۵۸ بوجود آمد.

تصحیح نرخ ارز در ایران

با توجه به آنچه در مباحث قبلی گذشت دریافتیم که نرخ رسمی ارز علی‌رغم تحولات بسیار زیادی که در اقتصاد کشور بوجود آمد ثابت نگه داشته شد و بدین لحاظ ارتباط خود را با بقیه متغیرهای کلان اقتصادی از دست داد بطوریکه امروز نرخ ارز در ایران بهیچ وجه منعکس کننده وضعیت اقتصادی کشور در داخل و خارج نیست.

بنابراین بمنظور هماهنگ کردن نرخ ارز با سایر متغیرهای کلان اقتصادی و جلوگیری از ادامه زیانهای ناشی از نرخ غیرواقعی ارز و دست یافتن به نرخ واقعی که بتواند نمایانگر وضعیت اقتصادی داخل کشور و قدرت رقابت نسبی ما با سایر کشورها باشد لازم است براساس طرحی جامع نسبت به تصحیح نرخ برابری ریال در مقابل ارزهای خارجی اقدام سریع بعمل آوریم. اما پیش از آنکه به چگونگی انجام آن و چارچوب طرح یا عناصر تشکیل دهنده آن پردازیم لازمست سه نکته زیر را بعنوان اقدامات اولیه و پیش نیاز تصحیح نرخ ارز مورد توجه قرار دهیم:

۱- یکسان ساختن نرخ ارز:

نرخ ارز به عنوان یکی از مهمترین شاخصها و متغیرهای کلان اقتصادی همواره بصورت معیاری برای تنظیم قیمتها هزینه‌ها و سایر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدیهی است که در یک جامعه نمی‌توان از چند نرخ با چند معیار استفاده نمود. وجود چند نرخ ارز معمولاً نشان دهنده نوعی بیماری در اقتصاد است که موجبات عوارض بسیاری را فراهم می‌کند و بنابراین لازم است درمان شود.

بازارهای متعدد ارز و نرخهای مختلف:

در کشور ما بدلیل اصرار بر نگهداری نرخ رسمی ارز در یک سطح غیرواقعی بتدریج نرخهای مختلف بوجود آمد. نرخهای مختلف برای واردات و صادرات نرخهای جدید ابتدا برای صادرات انواع کالاها ایجاد گردید. زمانی که صادرکنندگان بعلت غیرواقعی بودن نرخ ارزی که دولت و بانکها از آنها خریداری می کرد بتدریج از گزارش درآمد ارزی خودداری کردند و میزان قاچاق صادرات افزایش یافت دولت بمنظور تشویق صادرکنندگان به گزارش درآمدهای ارزی خود و کاهش قاچاق نرخهای متعددی برای انواع صادرات بوجود آورد. این نرخها ابتدا همگی بین ۱۲۰ ریال تا ۲۰۰ ریال برای هر دلار بود اما بعدها با کاهش بیشتر ارزش ریال نرخهای بالاتری تعیین شد و نهایتا بدلیل مشکلات مختلفی که بروز کرد نرخ ارز صادراتی یکسان برای انواع صادرات در سطح ۴۲۰ ریال برای هر دلار تعیین گردید. از طرف دیگر با ارزان تمام شدن واردات کالا و خدمات لوکس و مصرفی با نرخ رسمی دولت مجبور شد برای تشویق کاهش واردات این نوع کالاها و خدمات و نیز افزایش درآمدهای خود نرخهای مختلف ارز بطور رسمی و غیررسمی برای واردات تعیین کند. این نرخها حتی در برخی زمینهها بطور موردی مورد استفاده قرار می گرفتند. حاصل این وضعیت ایجاد نرخهای متعدد ارز در کنار نرخ رسمی ارز بود که هر کدام دارای بازار مخصوص به خود بودند.

در کنار این نرخها نرخ بازار آزاد ارز نیز همواره وجود داشت. عرضه و تقاضای ارز در همه این بازارها بدون ارتباط با یکدیگر و مستقل از نرخ تعیین می شد. بجز در بازار

آزاد که نرخ عملاً محصول تلاقی عرضه و تقاضای واقعی بود و در بقیه موارد عرضه و تقاضا توسط تصمیمات اداری تعیین می‌گردید و نرخ ارز نیز از طریق تصمیم‌گیری اداری مشخص می‌شد و ارتباطی با میزان تقاضا یا عرضه ارز نداشت. در بازار رسمی ارز نیز با توجه به اینکه نرخ براساس یک تصمیم‌گیری اداری تثبیت شده بود بنابراین تابعی از عرضه و تقاضا نبود.

نتیجه این وضعیت این است که بهر حال بازار ارزی کشور بصورت بازار پاره پاره شده و بسته درآمده است که هیچکدام با دیگری ارتباط چندانی نداشته و عرضه و تقاضای ارز در هیچک از این بازارها نمی‌تواند دخالت موثری در بازار دیگر داشته باشد. پاره پاره شدن بازار ارز و جدایی آنها از یکدیگر همواره باعث شده است که امکان استفاده از افزایش عرضه و یا کاهش تقاضای ارز برای تعدیل نرخ ارز از دست برود. حتی نرخ بازار آزاد ارز که بطور عملی محصول عرضه و تقاضای واقعی در بازار است در سطحی غیرواقعی قرار گیرد زیرا این نرخ هرگز نماینده تمام توان ارزی کشور نبوده است. بنابراین نتیجه‌ای که می‌توان گرفت این است که تعدد نرخ ارز که به ایجاد بازارهای جداگانه ارزی منتهی می‌شود در هر شرایطی باعث منحرف شدن نرخ ارز در این بازارها می‌گردد و نرخ ارز متبولوجر شده در این بازارها هیچکدام نمی‌تواند نرخ صحیح باشد زیرا که هیچیک منعکس‌کننده توانایی واقعی و عملی کشور از نظر ارزی نیست.

اختلال در قیمت‌ها و قیمت‌های نسبی:

وجود نرخهای متعدد ارز باعث می‌شود که قیمت کالاها براساس اینکه با چه نوع ارزی وارد می‌شود و یا اینکه اجزاء ارزی آنها با چه نرخ‌ی وارد شده است متفاوت باشد. حتی کالاها یا خدماتی که دارای ارز بری غیر مستقیمی هستند نیز تحت تاثیر نرخهای متفاوت ارز قیمت‌های منحرف و غلطی پیدا میکنند. در برخی موارد نرخ ارز برای اجزاء مختلف ارزی یک کالا متفاوت می‌باشد و در نتیجه قیمت تمام شده آن کالا با احتساب نرخهای مختلف ارز تعیین میشود که طبیعتاً نمی‌تواند درست باشد. در بعضی مواقع نیز نرخ ارز برای واردات یک کالا یا اجزاء ارزی تشکیل دهنده تولید یک کالا بر حسب آنکه وارد کننده آن چه دستگاهی بوده و یا در چه محدوده زمانی واردنموده است تفاوت پیدا می‌کند. بهمین دلیل است که بطور کلی نرخهای متعدد ارز باعث بهم خوردن قیمت کالاها می‌شوند.

از طرف دیگر تعدد نرخ ارز باعث بهم خوردن تناسب قیمت کالاها در مقابل یکدیگر شده و بتدریج موجب شده تا از نرخهای مختلف ارز بعنوان نوعی مالیات یا عوارض استفاده شود. بهمین دلیل است که قیمت یک کامیون از یک ماشین سواری کمتر شده یا قیمت برخی ابزار آلات و قطعات یدکی از قیمت ماشین آلات سنگین بیشتر می‌شود. نتیجه اینکه در وضعیت نرخهای متعدد ارز نمی‌توان انتظار داشت که قیمت‌ها علامت صحیحی از خود بروز دهند.

عدم تخصیص بهینه ارز:

وجود نرخهای متعدد ارز باعث می شود که سرمایه گذاری به سمت زمینه های سوق پیدا کند که از نرخهای ارز پایین تر سود می برد. زیرا سرمایه گذاری در رشته های که از نرخ ارز کمتری استفاده می کند خودبخود دارای سودآوری بیشتری است و حتی اگر سرمایه گذاری در عمل به نتیجه نرسد سرمایه گذارانی که به امتیاز دریافت ارز ارزان دست پیدا کرده اند و یا صرفاً ماشین آلات خود را با آن نرخ وارد کرده اند می توانند با واگذاری امتیاز و یا فروش ماشین آلات خود در بازار آزاد از سود کلانی برخوردار گردند. بهمین دلیل عوامل تولید و امکانات محدود کشور که در واقع باید صرف موثرترین و کمیاب ترین زمینه ها بشود بسادگی جذب رشته هایی میشود که دارای سودآوری کاذب هستند.

اختلال در سرمایه گذاری خارجی:

وجود نرخهای متعدد ارز موجبات سرگردانی سرمایه گذاران خارجی را فراهم می سازد تا زمانی که نرخ یکسان ارز برقرار نشود سرمایه گذاران بطور اعم و سرمایه گذاران خارجی بطور اخص نمی دانند از چه نرخ ارزی برای ورود سرمایه خروج آن محاسبه سود حاصل از سرمایه گذاری آنها استفاده می شود و بهمین دلیل همواره ریسک سرمایه گذاری در کشورهایی که با وجود همه عوامل مثبت اقتصادی و سیاسی دارای نرخ ارز متعدد هستند بسیار بالا ارزیابی می گردد. بنابراین نمی توان انتظار داشت که قبل از یکسان کردن نرخ ارز سرمایه قابل ملاحظه ای وارد کشور شود.

نتیجه گیری که از این بحث می توان کرد این است که در کشور ما که نرخهای سه گانه ارز وجود دارد باید تصحیح نرخ همزمان با یکسان سازی آن انجام گیرد. ضروری است که بطور کلی از استفاده از نرخ ارز بجای ابزارهای مختلف مالی بعنوان سوبسید پرهیز شود. یکسان شدن نرخ ارز و یکی شدن بازارهای ارزی در کشور هم باعث می شود که مجموع توان ارزی کشور بتواند در نرخ ارز موثر باشد و هم بعنوان معیاری واحد قیمت های صحیحی بدست می دهد که بنوبه خود موجبات ارزیابی صحیح نرخ بازگشت سرمایه گذاری و تخصیص بهینه منابع را فراهم می سازد.

۲- لغو بودجه ارزی:

نگهداری نرخ ارز در سطح بسیار ارزان و غیرواقعی در ایران باعث شد که تقاضا بصورت بی رویه ای برای خرید ارز خارجی افزایش یابد. رفته رفته که نرخ واقعی ارز در بازار با نرخ ارزان و رسمی آن فاصله بیشتری گرفت بطور طبیعی فشار متقاضیان برای دریافت ارز خارجی بیشتر شد. بنابراین دولت ناگزیر گردید که برای تخصیص ارز محدودیت قائل شود و سهمیه بندی نماید. چون سهمیه بندی ارز بمعنی نوعی تصمیم اداری برای عرضه ارز به اشخاص یا واحدهای مورد توجه تصمیم گیرندگان بشمار می رود لذا این نکته که چه کسی باید این تصمیم گیری را بعمل آورد بسیار مهم تلقی می شد.

بوژه آنکه وقتی فاصله نرخ رسمی با بازار آزاد افزایش یافت تصمیم به تخصیص سهمیه ارزی به اشخاص یا بنگاهها بمعنی تصمیم برای بخشیدن یا اعطای سود کلان حاصل از

مابه التفاوت نرخ ارز تلقی می‌گردید. بهمین جهت سهمیه‌بندی ارزی که ابتدا در بانک مرکزی و بعدها با مشارکت و زارت بازرگانی اقتصاد و دارایی سازمان برنامه و بودجه و دولت انجام می‌گیرد در سال ۱۳۶۲ مورد سوال مجلس شورای اسلامی قرارگرفت و بالاخره برای سال ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی قانون را به تصویب رسانید که بموجب آن دولت را مکلف نمود که همواره با بودجه ریالی سالانه بودجه ارزی دستگاهها را نیز تهیه و برای تصویب تقدیم نماید. بطوریکه پس از آن همه ساله دولت علاوه بر بودجه ریالی یک بودجه ارزی نیز برای دستگاهها تهیه و به تصویب مجلس می‌رساند. در این خصوص چند نکته حائز اهمیت است :

اولاً: عارضه بسیار مهم بودجه ارزی در این است که تصویب بودجه کشور براساس یک ارز بیگانه توسط مجلس شورای اسلامی بمعنی رسمیت دادن به استفاده از یک ارز بیگانه به عنوان واحد پولی در محاسبات و دادستدهای یک کشور است. شناسایی رسمی یک پول خارجی توسط مجلس و رایج شدن آن در ارزیابی پروژه‌ها و سنجش کمیتهای اقتصادی بی‌تردید به پول ملی کشور ضربه سنگینی وارد می‌کند و آن را تضعیف می‌کند. چون در این خصوص در فصل دلاری شدن اقتصادی به تفصیل بحث شده است لذا در این مبحث از بحث مجدد درباره آن خودداری می‌شود و فقط بهمین اندازه اکتفا می‌شود که تا زمانیکه مجلس یا دولت و یا اصولاً هر ارگان دیگری بودجه جامعی برای دستگاههای کشور با پول بیگانه تنظیم کند نمی‌توان انتظار تقویت پول ملی را داشت.

ثانیا: وجود بودجه ارزی بمعنی آنست که از همان ابتدا برای مجموع درآمدهای پیش بینی شده تقاضا یا سهمیه پیش بینی شود و دستگاهها ملزم به مصرف و جذب آن شوند بنابراین در صورت وجود بودجه ارزی نمی توان انتظار داشت که دستگاهها برای صرفه جویی در مصرف کل ارز تخصیص یافته خود بکوشند. این امر امکان ایجاد هر گونه مازاد احتمالی را از بین می برد.

ثالثا: وجود بودجه ارزی در کنار بودجه ریالی دو معیار متفاوت برآورد و ارزیابی برنامه دستگاههای اجرایی ایجاد می کند و باتوجه به اینکه همیشه این دو بودجه عمدا نتوانسته است کاملا برهم منطبق باشد لذا موجبات اختلال در برنامه ها و یا در تنظیم بودجه ارزی و یا ریالی را فراهم کرده است. در برخی مواقع برای اجرای یک برنامه ریال مورد نیاز وجود دارد اما ارز آن موجود نیست و یا بالعکس. این وضعیت ضمن اختلال در اجرای برنامه ها بتدریج باعث می شود که معیار سنجش متغیرهای مالی کشور که در واقع باید با پول ملی صورت گیرد بشدت تضعیف گردد.

رابعا: یکی دیگر از مهمترین مشکلات بودجه ارزی کشور این است که تاکنون درآمدهای ارزی که همواره با خوشبینانه ترین فروض برآورد می گردد در عمل بهمان میزان تحقق نیافته است. بهمین صورت در مورد هزینه ها نیز اغلب علاوه بر اینکه در مجموع هزینه ها با درآمدهای واقعی منطبق نبوده است هزینه های پیش بینی نشده بسیار زیادی در طول سال بوجود آمده که برای آن سهمیه ارزی پیش بینی نشده است.

تخصیص ارز برای این هزینه‌ها که اغلب نیز جزو هزینه‌های غیر قابل اجتناب است باعث فزونی هزینه‌ها بر درآمدها و ایجاد کسری در پرداختها کشور می‌شود.

نکته جالب توجه این است که در طی مدتی که بودجه ارزی اجرا شده حتی یکسال هم عملکرد درآمدها و هزینه‌ها منطبق بر میزان پیش بینی شده نبوده است.

با توجه به نکات فوق مشخص می‌شود که بودجه ارزی نه فقط به دلیل اشکالات فوق بلکه بمنظور آنکه امکان تجلی نرخ واقعی ارز وجود داشته باشد لغو شود. اگر قرار باشد کل تقاضا برای مجموع درآمدهای ارزی قابل حصول در یکسال را از پیش تعیین کنیم و همه آنرا مصرف کرده تلقی نمائیم انعطاف مورد نیاز بازار ارزی را سلب کرده و امکان انعکاس نرخ واقعی ارز را از بین می‌بریم. زیرا این نرخ منعکس کننده عرضه یا تقاضای ارز نخواهد بود. در یکسان سازی بازار ارز و به تبع آن یکسان بازار عرضه شود و از طرف دیگر نیز همه تقاضاهای موجود را روانه همان بازار بنمائیم تا حاصل آن نرخ ارزی باشد که توانایی واقعی ارزی را از یک سو و نیازمندیهای ارزی را از سوی دیگر نمایان کند.

اگر بخواهیم نرخهای ارز را یکسان نمائیم و در عین حال بودجه ارزی را نیز نگهداری کنیم نمی‌توانیم انتظار تصحیح نرخ ارز را داشته باشیم. در این میان سوالی که ممکن است به ذهن خطور کند این است که در صورت لغو بودجه ارزی دولت چگونه نیازمندیهای ارزی دستگاههای دولتی را که تاکنون از طریق تعیین و تخصیص سهمیه ارزی تامین می‌نمود پاسخ می‌دهد؟ پاسخ این سوال این است در صورت لغو بودجه

ارزی بازار ارز یکسان می شود. دولت تنها به تهیه بودجه ریالی مبادرت می ورزد. کلیه متقاضیان ارز از یک بازار تقاضای خرید ارز می کنند. ارز بدست کسانی می افتد که دارای بودجه ریالی کافی برای خرید آن هستند.

بنابراین دستگاههای دولتی نیز با تخصیص بودجه ریالی و برخورداری از ریال کافی می توانند ارز مورد نیاز خود را خریداری کنند. در این وضعیت تعیین میزان بودجه ریالی برای دستگاههای اجرائی از اهمیت فوق العاده ای برخوردار می شود. دستگاههایی که دارای ریال بیشتری هستند امکان بیشتری برای خرید ارز خواهند داشت. بنابراین دولت بر برآوردی که از نرخ ارز می کند با توجه به برنامه های دستگاههای اجرائی برای آنها ریال کافی در نظر می گیرد تا آنها بتوانند با آن از داخل یا خارج کالا مواد یا خدمات موردنیاز خود را خریداری کنند. امتیاز ویژه این روش این است که به اختلال کنونی دربرآورد هزینه برنامه های مختلف که هم اکنون بصورت ریالی و ارزی انجام می شود پایان میدهد.

۳- تعیین سیستم ارزی شناور هدایت شده:

سیستم ارزی که در تصحیح نرخ ارز و یکسان سازی بازار آن جایگزین سیستم قبلی ارزی می شود بسیار مهم است زیرا انتخاب یک سیستم ارزی نامناسب ممکن است مجددا اختلالات قبلی ارزی را باعث شود. تا اوایل دهه ۱۳۵۰ سیستم ارزی در کشور ما بر مبنای نظام پایه طلا بصورت تعیین نرخ تثبیت شده ارزی بوده است. بدین معنی که براساس محتوی طلای ارزها نرخ برابری آنها با یکدیگر تعیین می شده است این سیستم تا سال ۱۹۷۳ در اکثر کشورهای دنیا مورد عمل بوده است. پس از ۱۹۷۳ که رابطه بین

طلا و دلار بطور عملی رسمی از هم گسیخت و عمده ترین ارزها دنیا شناور گشت ابتدا کشورهای مختلف اروپایی و سپس کشورهای در حال توسعه یکی پس از دیگری از سیستم نرخ شناور ارز استفاده کردند.

منطق مهم این نظام این است که رابطه با طلا به تنهایی نمی تواند ارزش و قدرت پول یک کشور را مشخص کند بلکه میزان تولیدات کالا و خدمات و بویژه تولید کالا و خدمات قابل مبادله و قابل عرضه و قابل رقابت هر کشور تعیین کننده قدرت ارزش واقعی پول آن کشور تلقی می شود. از طرف دیگر در شرایطی که کشور ما از نرخهای متعدد ارز رنج می برد و ارز دارای بازارهای جداگانه متعددی است برای یکسان کردن آنها نمی توان بلافاصله نرخ ارز تثبیت شده ای را در بازار اعلام نمود زیرا بسادگی نمی توان ارقام مربوط به تقاضا و عرضه ارز در بازار واحد ارزی سوق داده می شود. چون میزان تقاضا در بازار واحد رقمی متفاوت از مجموع تقاضاهای موجود در بازارهای متعدد ارزیست لذا تثبیت هر گونه نرخ که با واقعیت انطباق نداشته باشد موجب اختلال بازار ارزی می شود.

زمانی که سیستم نرخ ثابت ارزی انتخاب می شود باید توجه داشت که چنانچه نرخ ارز بدرستی تخمین زده نشده باشد نگهداری این نرخ هزینه بسیار سنگینی را از نظر تحلیل ذخایر ارزی به کشور تحمیل می کند و در صورت عدم توانایی به مداخله های سنگین در بازار ارز نیز بازارهای جدید و نرخهای جدید ارزی بوجود می آید که کلا باعث اختلال در سیستم ارزی می شود. از طرف دیگر حتی اگر نرخ ارز در سطحی انتخاب شود که

منعکس کننده واقعی کننده واقعی شرایط اقتصادی امروز کشور نیز باشد پس از مدت بسیار کوتاهی با تغییر و تحولات مثبت یا منفی از سطح منطقی خود فاصله گرفته و عوارض جدیدی را ایجاد می کند. چنانچه تحولات منفی در اقتصاد رخ دهد طبیعتاً نرخ ارز باید بالا برود و در صورت تثبیت آن بازار جداگانه ارزی بوجود می آید.

در صورتیکه تحولات مثبت در اقتصاد رخ دهد ناگزیر باید نرخ ارز کاهش یابد و نگهداری آن در سطح بالا موجبات رکود در فعالیتهای را فراهم می سازد. بنابراین بویژه در جامعه پر تحول و در حال توسعه ای نظیر کشور ما که در طول بیش از یک دهه اقتصاد آن دستخوش اختلالات بسیار فراوانی گردیده و ارز آن دارای نرخهای متعدد بوده است. نمیتوان انتظار داشت که در یکسان سازی بازار ارزی نرخ اولیه ارز منعکس کننده تقاضای واقعی ارزی باشد. از طرف دیگر با توجه به تحولات فزاینده و تغییر مداوم شرایط اقتصادی کشور عرضه و تقاضای ارز نیز دائماً تغییر پیدا می کند و نرخ ارز را تحت تاثیر خود قرار می دهد. بنابراین بنظر نمی رسد سیستم تثبیت شده نرخ ارز با شرایط فعلی اقتصادی کشورمان منطبق بوده و پاسخگوی نیازهای واقعی آن باشد.

از طرف دیگر با توجه به آسیب پذیر بودن سرمایه گذاریها و فعالیتهای اقتصادی در برابر نوسانات شدید نرخ ارز انتخاب سیستم شناوری کامل نرخ ارز نیز ممکن است ریسک را بشدت افزایش داده و موجبات کندی رشد اقتصادی بشود. بهمین لحاظ بنظر نگارنده انتخاب سیستم ارزی شناور هدایت شده پاسخ بهتری به شرایط اقتصادی امروز کشور می دهد. در نرخ شناور هدایت شده ابتدا نرخ اولیه ای انتخاب می شود. این نرخ با

برآوردی که از میزان عرضه و تقاضای ارز در بازار واحد ارزی انجام می‌گیرد محاسبه می‌گردد. دامنه نوسان معقولی در حد ۵ درصد الی ۸ درصد برای آن انتخاب میشود و سعی می‌شود که نوسانات نرخ ارز در همین دامنه برای مدت معقولی حفظ شود. سپس متناسب با تحولات اقتصادی که پیش می‌آید نرخ ارز نیز به سمت بالا یا پایین هدایت می‌شود. شیوه هدایت نرخ باید طوری باشد که از ایجاد هر گونه شوک و افزایش ریسک سرمایه‌گذاری و کندی در رشد اقتصادی جلوگیری کند.

نکته‌ای که مهم بنظر می‌آید این است که انتخاب نرخ اولیه از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است چنانچه نرخ انتخاب شود که بعلت نامناسب بودن بتدریج بالا رود و تضعیف بیشتر پول ملی را به همراه داشته باشد باعث سلب اعتماد از سیاست ارزی شده و موجبات کندی در سرمایه‌گذاری‌ها را فراهم می‌آورد. بالعکس در صورتیکه نرخ انتخاب شود که بعدا بتدریج کاهش یابد آثار بسیار مثبتی از خود بجای می‌گذارد. نه تنها موجب اعتماد بالاتر و سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود بلکه در کاهش قیمت‌ها و تخفیف تورم نیز موثر است.

بنابراین لازم بنظر می‌رسد که در یکسان کردن نرخ ارز از مطمئن‌ترین نرخ ممکن ارز در قالب یک سیستم ارزی شناور هدایت شده استفاده بنمائیم.

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: azarang
Keywords:
Comments:
Creation Date: 3/18/2012 11:31:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 3/18/2012 11:31:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 35
Number of Words: 5,195 (approx.)
Number of Characters: 29,614 (approx.)